



تاریخ انتشار: یکشنبه 15 تیر 1393

ایران - ایالات متحده : تاریخ، امیدواری ها و گام های اشتباه

تفاسیر متفاوت گری سیک و حسین موسویان از اشغال سفارت آمریکا



این تصمیم هیچ یک از مقامات ایرانی یا دولت یا رهبری عالی جمهوری اسلامی ایران نبوده است. آنها حتی نمی دانستند که این دانشجویان چنین طرحی دارند/پس از اینکه دانشجویان وارد سفارت شدند، دولت به آنها ملحق شد. آنها مجبور نبودند اما اجازه دادند که ۴۴۴ روز نیز به طول بیانجامد.

دیپلماسی ایرانی: در حالی که ضرب الاجل ۲۰ جولای (۲۹ تیر) برای دستیابی به توافق نهایی پیش رو است، تحلیلگران سرگرم گمانه زنی هستند که آیا طرفین می توانند پس از شش ماه مذاکره به توافق جامع دست یابند یا اینکه همانگونه که در برنامه اقدام مشترک ژنو پیش بینی شده است، مذاکرات تمدید خواهد شد.

اخیرا اتاق فکر انجمن آسیا میزبان دو دیپلمات سابق از دو کشور کلیدی در مذاکرات هسته ای یعنی ایران و آمریکا بود. هدف از برگزاری این نشست مناظره مانند ارائه نگاهی اجمالی و همه جانبه به تاریخچه روابط ایران و آمریکا پس از انقلاب اسلامی ایران در ۱۹۷۹، تاثیرات آن بر مذاکرات هسته ای و آینده روابط دوجانبه بود. حسین موسویان، سخنگوی اسبق تیم مذاکره کننده هسته ای ایران و گری سیک، مقام اسبق شورای امنیت ملی آمریکا در این میز گرد شرکت داشتند و هر یک نظر خود را در خصوص روابط ایران و آمریکا مطرح کردند. آنچه در زیر می خوانید محتوای موضوعات مطرح شده در این میز گرد است که در چهار بخش در سایت دیپلماسی ایرانی منتشر می شود.

حمید بیگلری مجری میز گرد به عنوان نخستین پرسش موضوع بی اعتمادی بین ایران و آمریکا را مطرح می کند. او می گوید برخی بر این باورند جمهوری اسلامی ایران از زمان پایه ریزی اش، موجودیت خود را بر مبنای خصومت ورزی با ایالات متحده بنیانگذاری کرده و این سیاست از حمایت داخلی نیز برخوردار است. به موجب

این نظریه، اشغال سفارت آمریکا در تهران و گروگانگیری اعضای سفارت به مدت ۴۴۴ روز، مبنایی برای «حکایت دشمن» ایجاد کرد که همچنان به شکل های گوناگون ادامه دارد. او از حسین موسویان می خواهد که نظر خود را در این مورد بیان کند.

حسین موسویان: یکی از موضوعاتی که من به تفصیل در کتاب خودم به آن پرداخته ام، ماجرای اشغال سفارت آمریکا است. زمانی که این کتاب را می خوانید، درک می کنید که این تصمیم هیچ یک از مقامات ایرانی یا دولت یا رهبری عالی جمهوری اسلامی ایران نبوده است. آنها حتی نمی دانستند که این دانشجویان چنین طرحی دارند. بنابراین این چیزی نبود که سیستم آن را ساماندهی کرده باشد تا از آن به عنوان روندی برای مخالفت با آمریکا و ایجاد مبنای این خصومت ورزی استفاده کند.

دلیل بی اعتمادی عمیق ایران و آمریکا به کودتای سال ۱۹۵۳ علیه دولت مصدق مربوط می شود. همچنین حمایت از شاه، دیکتاتوری که ۲۵ سال بر ایران حکومت کرد و پشتیبانی از صدام حسین در جریان جنگ هشت ساله ایران و عراق و اعمال تحریم های سنگین علیه جمهوری اسلامی ایران از دیگر عوامل بی اعتمادی است. رهبری می گویند که فارغ از اینکه چه رئیس جمهوری در آمریکا بر سر کار باشد - میانه رو، اصلاح طلب یا رادیکال - سیاست های آمریکا در قبال ایران بر مبنای افزایش فشار و تحریم تعریف شده است. این موضوعی است که برای رهبری عالی جمهوری اسلامی و بسیاری دیگر از سیاستمداران ایرانی مطرح است. دوم اینکه آنها بر این باورند که هسته اصلی سیاست آمریکا در قبال ایران را تغییر رژیم تشکیل می دهد و آمریکا به دنبال تغییر رژیم در ایران است. سوم اینکه آنها بر این باورند که سیاست آمریکا در خاورمیانه که تحت تاثیر اسرائیل و لابی آن در واشینگتن قرار دارد. به بیان دیگر این رئیس جمهور یا امنیت ملی نیست که سیاستگذاری خاورمیانه را انجام می دهد. چهارمین موضوع نیز این است که باور ایرانیان بر این است که آمریکا نمی خواهد دولت های دموکراتیک مستقل در خاورمیانه برقرار باشند. آمریکا به دنبال رژیم های دست نشانده ای مانند شاه ایران و حسنی مبارک (رئیس جمهور مخلوع مصر) است. دیکتاتورهایی که از آنها حمایت کنند. این دلایل مخالفت با آمریکا در ایران است. این یک ایدئولوژی نیست و مساله ای در ارتباط با موجودیت جمهوری اسلامی ایران نیز تعریف نمی شود.

مجری برنامه پرسش دوم را از گری سیک می پرسد. او با اشاره به اینکه هنری کیسینجر بر این باور بود که آمریکا کمترین دلیل را برای درگیری با ایران دارد و منافع مشترک زیادی وجود دارد این پرسش را برای گری سیک طرح می کند که آیا باتوجه به بی اعتمادی بیش از ۳ دهه ای بین ایران و آمریکا، کیسینجر به طور بنیادین دچار اشتباه شده بود یا دلایل دیگری وجود داشت که این بی اعتمادی ادامه دار شد؟

گری سیک: من هیچگاه با کیسینجر بحث نکردم اما او درست می گفت و من بر این باورم که او همچنان نیز درست می گوید و منافع مشترک زیادی بین ایران و آمریکا وجود دارد. اما یک انقلاب اتفاق افتاد و ایران به شدت دستخوش تغییر و تحول شد. من با موضعی که حسین موسویان در بیان دیدگاه اش اتخاذ کرد، آشنا هستم. پس از اینکه دانشجویان وارد سفارت شدند، دولت به آنها ملحق شد. آنها مجبور نبودند، اما این اقدام را انجام دادند و اجازه دادند که ۴۴۴ روز نیز به طول بیانجامد. حتی این احتمال وجود داشت که این بحران طولانی تر شود.

بنابراین آنچه در آن زمان اتفاق افتاد و مردم آن را فراموش کرده اند این است که این نخستین مواجهه ایالات متحده با اسلام رادیکال (!) بود. این نخستین باری بود که ما با آن روبرو می شدیم. دوم اینکه این نخستین بحران سیاست خارجی در تاریخ آمریکا بود که تلویزیونی شده بود و هر شب در این ۴۴۴ روز تصاویر گروگان ها و شعار مرگ بر آمریکا در مقابل سفارت در تلویزیون پخش می شد. این تاثیر بسیار بزرگی به همراه داشت. این آغاز جراحات جدی بر پیکر آمریکایی ها بود و همین است که آمریکایی ها را از پیشرفت قابل توجه در رابطه با ایران باز می دارد. آمریکایی ها در مورد ایران معدود کارهای بدی انجام داده اند که موسویان نیز در کتاب خود به آنها اشاره می کند اما ما مشکلات واقعی با ایران داریم. منظور من این است که من عضوی از دولت کارتر بودم و می توانم به درستی بگویم که با ماجرای گروگانگیری ایران نیز به سیاست های داخلی آمریکا نفوذ کرد و این یکی از دلایلی بود که کارتر در انتخابات پیروز نشد.

بنابراین زمانی که ایران در مورد مداخله آمریکا گلایه می کند، گمان می کنم که عادلانه خواهد بود که ما هم چنین شکایتی داشته باشیم. با این حال باید از این موضوع عبور کرد و به یاد آورد که کیسینجر درست می گفت و ما منافع دوجانبه زیادی با ایران داریم. آنچه اکنون باید انجام دهیم این است که فزاینده مشکلات واقعی که داشتیم قدم برداریم. این ها مشکلات کوچکی نیستند و

مشکلات ساخته و پرداخته ذهن نیز نیستند. ما باید از این موضوعات عبور کنیم و به مرحله این برسیم که بتوانیم دیالوگ را در مورد منافع مشترک برقرار کنیم و فکر می‌کنم که حرکت به سوی این هدف را آغاز کرده ایم.

تحریریه دیپلماسی ایرانی / ۱۰

<dynamic-0#####>